

صاحب امتیاز
و مدیر مسئول
دکتر اسمعیل
اردلان.

کوشمان

نامهٔ تفصیلی

بهیچ حزب
دسته یا جمعیتی
بستگی ندارد

تک شماره ۴۰ ریال

شنبه ۱۱ تیر ماه ۱۳۲۴

سال اول - شماره ۱۹

یک پرده ننگین صلحای قوم بیایید و این ننگهارا بشوئید

در پیرامون ادبیات کردی

اگر روزی بکنفر مستشرق انگلیسی یا روسی از آثار ادیب طراز اول تهران بیرون آمدیم و از مولوی هورامانی و ناری مرزبانی و مصطفی دلی ستندی و معتمد کوماسی و وفائی و مصباح و حریق مکرری با ... و ... که در کشور ایران بوده و اشعار خرد و دلکش سروده اند چه در نظر دارید آیا تک و هارنیت جواب دهد اصلاح جوایی را شنیده ام؟

در این صورت به نیت من بی نهایت ضرورت دارد آقایان متصدیان امور فرهنگ تسهیلاتی را در این باب فراهم کنند و از زور و فشار عالم علم و دانش دست بکشند و اجازه دهند که مردم بتوانند اینگونه آثار را به فراغت قلب و آزادی کامل جمع آوری و چاپ کنند که این ذخائر از بین نرود و دانشمندان و فرهنگیان نیز بر آنها اطلاع یافته و فرجه های رسا و ذوق سرشار اکراد را بشناسند تا در نزد دانشجویان بیگانه و جاهل به درون خانه نودشان محسوب نشوند و راه مباحثات و اقتضای دیگر را هم در عالم ادبیات ببینند و گذشته از همه آنها واضح و آتشی است که علم بهر بیزار از جهل آن شهر است

نویسنده - عبدالرحمن شرفکنندی
کوهستان - دذنته از اشخاص معدودی شاید اکثریت مردم ایران و حتی آنها که بشعر و ادبیات علاقه دارند هنوز ندانند که زبان کردی هم شعر گفته شده و شعرای عالی دار کردی هم بوده اند که در نظر جهانیان مقام عالی دارند.
این سهیل انگاری و تصور را باید با کمال تأسف اذعن نمود ولی منی است
بقیه در صفحه ۸

بسیاری از چیزهاست که از قلم ادیبان دست چلب توجه تضلاد نشندان را کرده و ایشان را به بررسی و تحقیق و تدقیق و امید دارد.
و در نتیجه مانند گوهر گرانبایی در خزائن علم دانش آنان جایگیر میشوند و اینگونه کوشها در مسالک متین بعدی فراوان است که از عده احصاء خارج میشود و تا اندازهٔ حائز اهمیت است هیچگونه ماضی نمیتواند نظر روشنگران و ادیبان مخصوص و لو برای مدت کمی باشد باز دارد. چنانکه نیروی بر بنیادین کبیر در این جنگ جهانی و کبیر در کونی در برندهٔ مجله نام (دنگی کیتی تازه) به زبان کردی منتشر و آثار و ادبیات کردی و شرح حال شعر او دانشمندان کرد را جمع آوری و به تحقیق و درج انتشار آن امیدوارم از دوشماری اکراد ایرانی را که هنوز استان بگوش برادران پارسی زبان نرسیده به تمام معنی میشناسند و آثار ایشانرا بحفاظت خود پرده اند و همچنین در روسیه بمباهل بنام (دی تازه) به کردی چاپ میگردد اما مناسفانه در کشور آذربایجان هم میزهم نژادان و هم زبانان و هم مذهبمان ما آنهایی که به دعوی زبانی روح کرد و فارس را در یک کالبد میدهند هنوز زور کونی و قلدری به شکل برده منبسی در بین این آثار تالیس و گرابها و عالم دانش و ادب خود نسائی کرده و مانع از آن است که ادبا و دانشمندان کشور ختم هم به این گنجهای پر بها دست بیابند !!
ادبا که البته معذورند ولی به این قبیل بی دانشان زور گو باید گفت (دوران باشعور نزدیک و نزدیکان بی بعد دور).
- الاغزوات از خود دانشمندان می طلبم

شخص و تنبکه با مردم سروکار پیدا میکند و وقتیکه در جریان اوضاع از جنبه کلی و مظاهری گذشته یعنی نکات توجه میکند آنگاه است که یک درمیآید که اوضاع از چه قرار است

گفتن اوضاع خراب است مردم در فشار و ناراحتی هستند از دولت و مجلس و دستگاههای حاکمه ناراضی هستند مطالبات صحیح اما کلی و ما بقدری باین گفتات عادت کرده ایم که اغلب اهمیت آن را تهدید گرفته با عین سردی شاهها را بالا انداخته همچنان نظر اوضاع میساییم

ولی گمان میکنم اگر شخص جنبه کلی و اکتفا گذارنده جزئیات را مورد دقت قرار دهد شاید میزان تأثیر و حریت بقدری باشد که شاهها قدرت بالا رفتن نداشته باشند و شاید توجه و دقت بیشتری احساسات ما را برانگیزد تکانی داده ما را از این سکوت و رخوت بیرون آورد.

من در اینجا نمونه های کوچکی از عملیات یک فرمانده عالی قدر را که ر از روی مطلق یک منطقه مهم سرحدی است برای اطلاع شما مینگارم و جریان اقدامات را بطور بسیار خلاصه ای از نظر شما میگذرانم در آن دقت کنید و از این مشت که نمونه خروار است بی بدیشیهای ما و خطراتی که ما را تهدید میکند خواهید برد

نواسی کرد نشین غرب مخصوصاً قسمتهای کردستان بر اثر عملیات بیشرمت همدای از مامورین نظامی دولت و بر اثر تبلیغات شوم آنان و بسط زور ایجاد راه بزرگی برای سوء استفاده در سالهای اخیر جالب توجه شد بنامین مسئله آنجا را میدان کارزار و برادر کسی کردند و وقایع آنجا را بقدری بزرگ کردند که نه تنها دولت بلکه مردم را مرعوب و عملیات نظامی را معبراً قبول ترین عملیات نظم جهان جلوه دادند با این تبلیغ اذهان عمومی را مشوب و - کردستان را مایه ای آتش خیز را نسود کرده.

برای چه؟ برای اینکه پیوسته از ای برای اعمال نظریات شخصی و خصوصی فراهم نمایند برای اینکه بدون ملاحظه مشت را برهن مردم بریند برای اینکه آنجا را بصورت محیطی کردستان مانسند در آورده ناهر چه میفرمانند بکنسند و از کسی نفسی دریابند.

تادمی این جریانات مکتوم بود مردم جرابند ملی و حتی دولت را فضا گمان میبردند آنچه را مامورین ناپکار گذارش می دهند درست است و وی اعتماد باضاهات آنان دستورات شدید و اختیارات کامل داده میشود مردم در زیر آنگه جاینگاران جان میدادند و مشت ندرانه آنان را میچوردند و لب نیکشاندند.
بقیه در صفحه ۸

اخبار داخلة

کنگره پزشکی ایران

بمنظور تشبیه مبانی دوستی و بستگی کامل بین پزشکان ایران و پزشکان دولت و ملت و مناسبت وزارت بهداشت از پزشکان دوازده نفر دعوت نمودند تا با یکدیگر از بزرگان شوروی انگلستان فرانسه مصر چین ترکیه عراق سوریه لبنان افغانستان هندوستان - فلسطین بتهران وارد و روز یکشنبه ۱۰ روزه را در جنبه و با حضور هیئت دولت و آقایان نخست وزیر و وزیران سابق و بعد از رجالی و پزشکان دیپلمه ایرانی افتتاح یافت.

تغییرات مختصر

آقای محمود شایب پاشا سفیر کبیر مصر در تهران با اتفاق خان خود برای استفاده از مرخصی به سرزمین خود رفتند.

تبدیل بخش شهرستان

هیئت وزیران تصویب نمودند که بخش لامیجان شهرستان تبدیل گردیده و به نام یزد در دسر و سکروت از بخش های تابعه آن باشد.

ارکاناری از کار

آقای مهندس احمد زنگنه معاون فنی وزارت پسته و هنر از کار برخصار شده است.

فرمانداری کاشان

آقای محمد قمره کوزلو بازرسی وزارت کشور به فرمانداری شهرستان کاشان منصوب شده است.

آزادی بازداشت شدگان

پنج نفر دیگر از بازداشت شدگان آقایان از در تورتولان، علی آذر تکین

اندره ارمانیان، خاجاطور گریگوریان، واهن آلیسیان آزاد شده اند.

آزاد شدن نیرومند

سرهنگ نیرومند کمیل سابق زندان که با مقام شرکت در قتل خان بابا سعد و معاونت در قتل فرشی و بازداشت غیرقانونی دو نفر پرسیان وارد تعقیب بود چون در دادگاه به تهران محکوم به حبس ابد شده و دیوان کشور در نامه راهش و رسیدگی ثانوی را بدادگاه قضائی اسمهان ارجاع داشته بود دادگاه اسمهان او را به حبس ماه حبس محکوم کرد و چون مدت سرآمده بود آزاد گردید.

انتصابات

آقای عباس همن بازرسی فنی وزارت فرهنگ به سمت ریاست کارپردازی دانشگاه و اداره کل امور بیستارستانها. آقای مهندس ضیاءالدین امیرمزی از طرف وزارت راه به ریاستی مقرر گردید. هم شرقی و ریاست اداره کل راه شوسه خراسان منصوب شده است.

اخبار شهرستانها

ار سنقر

۱- رئیس شهربانی سنقر به سمتی منتقل شده در نظر است آقای اسکندر افشار پناه سنقر مأمور شود.

۲- هیئت بازرسی مشغول رسیدگی

ب حساب ادارات گله و بخش کالای انحصاری میباشد.

۳- اداره دخانیات سنقر جزء دارایی مالی شده است.

۴- دایره پخش کالاهای جزء بندی از دارایی منتهک شده و تحت ریاست آقای داوری اداره میشود.

۵- رئیس فرهنگ جدید سنقر آقای فرشی نماینده عالی بکلیک دانش آموزان داده و تصمیم دارند که او را برای تهیه لباس و لوازم التحریر دانش آموزان بی بضاعت صرف نمایند.

۶- احتیاط ده لگزی که پندی قبل اطلاع دادیم بخارت برده شده کشف و گویا مسترد گردیده است.

از سمنج

۱- فرمانده لشکر کردستان طی اعلامیه ای اردو کشی باور امان را نوبت داد و او خیال دارد با زهم برادر کشی شروع گردد و به جا و در هر حال این فرمانده محبوب است زور را بر تریب ترجیح میدهد نظریات خود در باره این اقدام هفته آتی خواهیم نگاشت.

۲- برق کردستان تعمیر شده شرکتی که تحت نظر آقای مهندس امروزیان اداره میشود تصمیم دارد با استفاده از برق آسیاب و سینما و غیره دایره کند امید به بود وضع سمنج از حیث روشنایی میروند.

۳- آقای غلام حسین اردلان بهمندار روانسر بنا به احضار فرماندار کردستان روز ۲۴/۳/۲۲ به سمنج وارد شده است.

۴- حبیب الله خان مندی که سالهای گذشته از شرکت مساعی بانوای دولتی دورا ره برقراری نظم و امنیت خودداری نداشته چندی وقت به سنقر فرمانده لشکر زندانی بدون ملاقات است.

نمایندگان اقلیت و اکثریت در حضور

اعلیحضرت همایونی

اعلیحضرت برای خانه دادن ببحران کنونی وضع

دولت نمایندگان اکثریت و اقلیت را در ساعت ۵ بعد از ظهر روز شنبه بار دادند

اعلیحضرت همایونی پس از تذکره و قیمت سیاسی

و اقتصادی مشغول توجیه فرمودند حشده نمایندگان

اختلافات را کنار گذاشتند و متزکا در حیل اختلاف و تعیین تکلیف دست یكوشنه

و نیز اشاره فرمودند شاید درممالک دیگر برای رفع

اینگونه اختلافات راه حل اعتلال مجلس باشد ولی در

کشور ما برای این کار نه قانون اجاره میدهد نه ملا

در این موقع صلاح کشور میباشد بنا بر این چنین

فکری در بین نیست و آقایان که نمایندگان ملت هستند باید خودشان بنشینند و راه

حلی پیدا کنند تا وضع بحران فکلی که بزیران کشور است

شود.

وقایع آزارات

سر سیدک خولا و مرغی بی غرضه را روی سینه ان کرته ای کردان را تو کعبه بوی برای کرد خاکبشه ای هلبه آگری - هلبه آگری در بلند باش آگری - بلند باش آگری.

دعوات دامنه کوه دو باره بدست آزارانها آباد شد آبی که از بی زارهای غریب کوه سر چشمه سرفته از جنوب آزارات بطرف خاک ایران جریان داشت حد طبیعی تشکیلات آگری- ترکیه شده. این جنگهای آزارات معاصد الحاد کتکزه بزرگ ملی کرد بود که از روسا و شوران نمایندگان اگراد تشکیل یافته بود. این کتکزه در نتیجه مذاکرات خود کمیته ای بنام «خوی بسون» بوجود آورده احسان نوری را کیسر فوق العاده نظامی این کمیته انتخاب و اداره حرکات ملیون رادر کردستان به مشارالیه تفویض شود. پای قهرمانان ملی کرد به آزارات باز شده بود. از هر سو باین نقطه میشتافتند. غرضه یك حسنی که در اتنای جنک شیخ سید شهر ملاز گردم را اشغال و قوای ترك را خلع سلاح نموده بود با برادرش کلازم یكویک

پسر هوه و چند نفر از سوراوش وارد آزارات شدند. خالص یك پسر عبدالحمید رئیس اهل سیکه تاج الهین یك از روسای زرگی، نوری هرزی حیدری رئیس عده ای جاغدیایان کرد، احمد حاجی برو حیدری و برادرانش، عالم وفاضل محترم سید عبدالوهاب آقندی و پسر عموش سید رسول که از تبعید گاه خود از میر فرار کرده بودند یکی بعد از دیگری به آزارات رسیدند. بروی حسنی فرمانداری و تشریفاتی فرماندهی ژاندارمری آزارات انتخاب شد. در این هنگام بود که ملیون کرد مازش آزارات را با سرور و شرمانی زمزمه کرده که میگفت: ایرو دیسا حرمس توها (امروز باز توغشبتک شده ای) تو آگران و نه کلات (آتش های توفله شده اند) کومسون ادی سرطه جوات (حمیت روی تو دیگر تشکیل شد) هلبه آگری، هلبه آگری (بلند باش آگری بلند باش آگری) ایوب آما از روسای قوایان بایند نر از کسان خود که در قسمت سینه شمالی آزارات در شهر قدیم قورخان متعین شده بودند مورد حمله نظامیان ترك شدند. جنک چند ساعتی در گرفت پس از دادن عده ای اسیر و تلفات نظامیان ترك بطرف شهر ایضاً عقب رانده شدند و ایوب آقا خود را بقوای آزارات ملحق ساخت. نفوذ و تشکیلات آگری زیادتز شده بود بطوریکه ساکنین شهر با یزید که از بی زارهای اطراف برای سوخت شرمیخواستند استفاده کنند میبایست بشکلیات آزارات عوارض برداشته تا تحصیل اجازه نمایند و با دست داشتن جواز رسمی آزارات بلا مانع عبور و مرور میکردند

از کرمانشاه

بنام ی

یگانه محبوب اکراد جهان آقای دکتر اسمعیل

اردلان محترم مدیر محترم نامه کوهستان

از مشاهده تلگرام مندرجه در صفحه ۳ شاه ۱۶ نامه زیر عنوان نظریات، خصوصی یکدیگر متأثر و چشم تیره و علم و تجربه و غیره گشت که در باره اش معاهدات بکاه غیرتندی که جا و مالا برای ملت هنزاد نبود اراطم و ستم و اضحلال و جاوگیری آتیه آنها از جنگال هر گونه آسیب و زوان حاضر شده و جدا مبارزه و پافشاری و فداکاری مینماید و تمام نفوس زکیه امراء اکراد پیشانیان و رهین منت این اقدام شبان مینماید شش نفر که خود را از نژاد کرد میدانه بجای تفهیر و تهمین و بیوس این که سال و جان را تاز نمانده چرا بایستی بدسبه و تحریک دیگران بدون معالجه باین حرکت بچگانه و غیرعادلانه زشت مبادرت و خود را منظور و معنون جامه اکراد نمایند ارنجه حدس و عمل تصور نموده و حقیقت امر را کشف مینمایند که این اقدام شوم ناشی از چه ناحیه بوده و از کجا سرچشمه گرفته است ولی برای روشن شدن فکرو کسب اطلاعات بیشتر در اطراف آن بنسب و کجا اوی برافتم تا بالاخره از یک نفر همشهری محترم که چند زاست کرمانشاه تشریف آوردند استفسار نمودم پاسخ داد که منظر بودم امضاء کنندگان این تلگرام پیشتر از اینها باشند زیرا در چند روز پیش از طرف یک مقام عالی اجناسی (پیش از سی نفر) که این شش نفر هم جزء آنها بودند رای صرف نهار بریده که در دعوت شده بودند حالیه معلوم گردید آن دعوت برای این منظور و ده است منتها سایرین خودداری کرده اند و فقط این شش نفر بواسطه حفظ سرمایه و منتر من در هم تخریب خود را باخته مجبوراً اطاعت و باین کار اقدام نموده اند علاوه اظهارات شخصی نامبرده قریبه نیز نامیدم گواهی مینماید به این اشخاص ضعیف النفس و بیچاره خود را باخته و مغلوبانه باین امر بید که مورد تاز و جارو قوت و حسانه ملت مقدس کرد خواهد بود قیام واقدام نموده اند و بر واضح و مبرهن است بشر این که اینها از نژاد کرد هم نبودند و باتصور معال با اینکه معالمانه نامه گرامی کوهستان و مندرجات تاریخی و روح پرور آن مطابق ذوق و میل آنها نبوده و این فتره خالی از دسه و آرایش بود ماضی نداشت که گریخته بیروز شبیره چشم - چشمه آفتابرا چه گناه مینموانند بوسیله نابینه در ستم از قبول آن استعفا نمایند و یا اینکه بقول خودشان وجه آتیه و یکساله آن را پرداخته بودند می توانستند نامه را تصواته و حشان آن که هزارانده هزارند و اگذار و از تخریب آتیه و ارسال آتیه خودداری و یا استعفا خود را بدون این ترتیب با داره نامه کوهستان ندیدم دارند دیگر اگر منظوری در بین بود دونوش بنامهای کهان - ستاره - رهبر په ازومی داشت مگر نظام بدولت یا دعوی حقوق در بین بود که میخواستند گره بگیرند یا اینکه چه اجباری آنها را بیانی و امانای شش نفری و ادار کرده بود خلاصه از تمام این قرائن و دلایل دیگری که از خوف تطویل از انامه آنها خودداری میشود محکوم و مجبور بودن و جین و ز دلی آنها معروضام و خیال خانی و ساده لوح آن مرد دستور دهنده مبرهن و آشکار میگردد بیچارهها بخیال باطل تصور کرده اند که با این اقدامات قتیانه بی اساس و بیوج و بیخالی میراثند بعبودیت نامه کوهستان که تمام اکراد شیعه و یاسان و پیشینیان آنست و با بزم را سخ مدیر محترم آن بوسیله شش یا شصت نفر لطمه و سکنه وارد کنند و ده فسانه نور و سگ عوعو کند

کرمانشاه ی. ۱۳۲۴/۴/۲۰

از تهران

آقای مدیر محبوب نامه عزیز کوهستان

از مشاهده تلگرام آقایان اشرف - سرافقه - علی امیر - علی و هاستندیس - عطاشه - حبیبی - رحیم زاده که در شماره ۱۶ آن نامه مای درج شده بود حال در کون و ههان برده سیاهن که در پشت آن

نگارش آقای جمال الدین مشیری شیرنگاروسی نامه کوهستان

بازدید زندان شهر بانی کرمانشاه

از لحاظ وظیفه شیرنگاری و مجسم نمودن اوضاع در نظر اولیای امور و بیان حقایق ناگزیرم نتیجه مشاهدات و بررسی های خود را که از زندان شهر بانی کرمانشاه بعمل آورده بابتصار ذکر نمایم.

۱ - برابر آمار موجوده عدد زیادی

متهم که جرائمشان تاکنون مشخص و معین نشده زندانی و بلا تکلیف میباشند که بایستی مقامات ذریع ذودتر وضعیت آنها را روشن و به بلا تکلیفی آنان خانه داده فرار قطعی ممانند نماید.

۲ - وضع خوراک و پوشاک زندانیان رضایتبخش بطوری که بی ذر زندانی در هر نوبت یک کاسه غذای گرم با اول ماندازه کالی و یک کیلو نان « برای ۲۴ ساعت » و در مقابل اخذ سهیبه شکر و چای آنان دوشیانه روز بهر یک چند استکان چایی داده میشود عموم زندانیان از لحاظ نظم و ترتیب و توجهی که در باره آنان مرضی میشود کاملاً راضی هستند.

۳ - اخیراً یک بیسارستان بیست تخت خوابی با تمام وسایل و لوازم رای زندان تزیین شده چنانچه دیگر احتیاج بانقال **بهاران زندانی بمریضخانه دولتی** نیست و اغلب عملیات طبی را میتوان بند و رضایتبخشی در خود بیسارستان زندان انجام داد

۴ - کف اماکنهای زندان قسمت

بازداشتگاه « بی نهایت مرطوب باید تا تهیه واحداث زندان قانونی هر چه زود تر کف آن را با سیاهن یا وسایل دیگر اندود تا از بروز رطوبت جاوگیری شده و از این راهزبانی متوجه زندانیان و شهر بانی نگردد.

۵ - تاکنون شهر بانی کرمانشاه نشه موفق یک باب حمام مطابق اسلوب بهداشت و معیشت با املا در نزدیکی زندان احداث نماید تا از وقوع هرگونه اتفاقات - عمومی که ممکن است در اثر تردد زندانیان **بختام های دور دست روی دهد جلوگیری بعمل آید** یک موضوع دیگر اینست که صاحبان گرمابه راضی نشینو دسبام بود را اختیار زندانیان گذارند زیرا بر اساس احتیاج و روح زندانیان دیگر کسی حاضر نمیشود بآن حمام مراجعه نماید و روی این اصل گرمابه هایشان از دجه شهرت و جلب مشتری می آید. « حق هم دارند »

۶ - طی گزارشات عهده شهر بانی **کرمانشاه با داره کسل شهر بانی** پیشنهاد مینماید اجازه دهند یک دستگاه زندان قانونی احداث شود تا کیه زندانیان را در یک جا سکنی دهند اما تا بحال دستور و اعتباری برای این قسمت نرسیده است توجه اداره کل شهر بانی و اباین موضوع جلب مینمایم.

دستهای لرزان و بیک مشغول کشیدن اشته شیعانی و در جستجوی پیدا کردن نقطه ضعیفی است که اجرای آرزوی شوم خود را به آن تحصیل نماید پیش دیک گام گنبد و از خود بیخود نمود در مدد برآمدم که آقایان را آنطور بیکه هسته خواتدگان گرامی نامه محبوب کوهستان بشناسانم تا تصور نشایند اظهاراتی که از زبان دشمنان توده کرد جاری و به قلم ناتوان چند نفر از همه جایخبر روی کاغذ و اسبابه نموده است ایده آل ملت لایب کرد میباشد ولی دفعتاً بغود آمده و یک نهای مرموزی امر به سکوت نمود و در ضمن مترجم ساعت که نیاید با آنها معامله متناهی نمود زیر ارزش هر چند ناشف باشد بدروی راضی بهذمت و سرافکنندگی او نخواهد بود.

شمار این دم فروبیست فقط از آقایان استعدا دارم چند سالی به قهقرا بر گشته وضیعت را با دیده باز مشاهده و بی طرفانه درباره نامه ملی کوهستان و اوضاع اسفناک گذشته که هیچ فردی حتی در مقابل هنگ ناموس از ادنی ترین افراد دولتی حق مدمزدن نداشت قنناوت نمایند

بعلاوه آقایان باید بدانند که در کوهستان نه موژ و خربه کسی نیست و امثل هوشند امثاها و بایندها زیاد بخود شده و امروز از آنان فقط نام نیک بیایدی باقی است و برای طرفداران اشخاص پدمایته جزندامت و حسرت و منفوریت نتیجه دیگری در بر نداشته و نخواهد داشت و باین دارم روزی که مدت آن چندان طولانی نیست خواهد رسید و آقایان از جسارت خود به یک نامه ملی که نماینده احساسات پاک توده عظیم اکراد است و بغیر از ترس و رهاه حال کرد و کردستان منظور دیگری ندارد پیشین و در مقابل کوهستان جوان سر تنام فرود خواهند آورد ولی آن روز بر خلاف دون همتان امروز ما کین کوه ناز با آغوش باز ما را پذیرفته و با قلم خون عطایای آنها را باطل مینماید.

حسنلی - آزموده اردلان

ستاد ارتش توجه کند

اهالی بانده چه میگویند؟

اهالی بانه شکایتی بنسب فرمانده تیب برض امامت مشول دولتی رسانیده پس از ذکر مقدمه ای اینطور مینویسد:

در این مقام که هستی و علاقه ای ما دستخوش غفلت اولیای امور گردید بناچار دست ز نو فرزند را گرفته با طرف و اکتاف برانگیزید و بازران اعدا وطن مالوف و مقدس را ترک گفتیم از آنجا که هفته اند تا بریشان ننمود که رسامان رسد و ناگه مزده توجهات عالی علیحضرت هاپونی بگوش این ملت رسیده که هوازه انتظار رسیدن چنین بشرتی را داشته رسید و آثار نیکبختی آشکار گردید.

بانهای امیدواری بنگاه یک ایران باز گشت بودیم در این اثناء غلبه آقای میس وزیر مشاور شمس باه نت بر فرم شده ما را بجان خسارت و احوال شکر و جوانی و پتو و وجود نند و افزار سانشان امیدوار و حسن خلق ملوب پراکنده ما را جمع فرمودند ما نیز بادی سزشار از عشق و امید و صلاح خرابیها پذیرفته به انتظار یاری دولت و ملت نشینیم اما خود غلط بود آنچه ماینداشتیم

بعد از مدتها تحمل رنج انتظار از مبالغ هنگفتی که نیکخواهان و لبرایان پاک نواز بعنوان ما دادند تنها مبلغ ۸ هزار تومان وجه و مقداری گندم و عدس تیر ساختن رسید تازه این اندک بوش با هزاران لیش همراه بود و مظالم - رهنگ پاینده دوداد دودمان مایبچارگان بر آورد و بجای شفقت و ترحم فرمان داد که با نایب مصالح آجر و تیر که از حریق مصرن مانده بود بتوان ساختن برای نیرو خراب کرده بیضا برد و ساختنهای تیره سوخته ربا خاک یکسان نمود.

دو تن سراز بدیغت هم که مامور و بران کردن بناها ما و دند - ای مضامع و اغراض پاینده شده جان جان آفرین سپردند و در قبال چند تیر که بفرای اهالی داد با مر آن مردستانکار همه درختان شمر و غیر مشرما از بیخ کنده شد و درختانی که بگانه معن از تران ما بود بایسته بیدادی از دیشه بر آورده شد برای اثبات صدق گاتار مامکن است بگو آریا مرکز باغهای مو تشریف فرما شده وضع اسف انگیز آنجا بچشم خود ملاحظه فرمایند که چگونه آتش مظالم پاینده باغها را بل شاکی تبدیل کرده آیا از مردم رنجیده اینطور باید استنات نمود؟

یکی دیگر از فجاج فراموش نشدی پاینده این بود که افسرین را بنام ستوان قانع بریاست دژبان برگزید این افسر که شرف لباس نظام را بکلگی در انتظار از میان برد برای اجرای مفاسد سینه و سینه

و فرمانده خود زحمت بسیاری برای مایه وجود آورد از جمله از اول شب تا طلوع آفتاب هیچکس حق خروج از خانه خود نداشت حتی اگر بیمار میشد اجازه مراجعه بدکتر نداشتند و باید رنج بیماری را تحمل کنه یا میرد بلازم بیژبان دستور داده بود که از هر طریق باشد از مردم پول بگیرند.

تا نفع هم از سفیدی دست ناسیاهی زغال فروگذا نکرد چون الاغها را از روستایان بنوا بیکار میکردند و ستایان برای خلاصی از این محصه برای هرا لاغ دو تومان بیاج میدادند و دیگر بشهر نمی آمدند باینجه شهر گرفتار مضیق خوار بار شده.

این بود بنوعه از فجاج اعمال پاینده که برای اجتناب از اطلاع کلام باین مختصر قناعت شد.

اینک تماشا داران بیخست مقرر فرمایند مساعده که بنام دریا داشته اند مسترد دارند که بصرف ساختن برسد و چندین نفر بنا و نجار هم بیانه بیآورند که بمران و آبادی برداریم در ثانی اقدام فرمایند که سرهنگ پاینده شده بود مواعظ قرار گرفته خسارت خرابیها از او مسترد شود

رو نوشت شرح بالا برای درج در نامه شریف کوهستان تقدیم میشود که مدیر رشید آن حق ما را از بیاد گران باز ستاند از اقدامات خداینده فرمادند مظلم تیب نیز امتنان داریم که از موقوف ورود ز ما رفع مزاحمت فرمودند

از طرف اهالی ستندیده و بیخانیان بانه :

- حاج عبدالعزیز دباغی - حاج محمد عزیز عطیسی - رؤف خطیبی - حاج نصرالله تودی - محمد امینی اویسی - عبدالله قاتعی
- حاج محمد رحیمی - حاج کریم قنچی - سلیم احمد زاده - سعید امین نژادوشید سلیمی
- حاج محمد امین بختیاوی - صالح معلی نژاد - حاج صیب عزیز - سعید جامی
- محمد عزیز خانی - عبدالله احمدی - حاج محمد مروستی - حاج کاکارا شرفی - حاج محمد امین توتوچی - صالح حسینی - قادر بهرامی - سعید خلای - حاج محمد صالح معبودی - محمد معاری - محمد رشید شریفی - صادق توتوی - حسن غفوری - رشید معروفتی - گوریل مازوچی

کوهستان - انتظار داریم فرمانده تیب سقر بوظیفه وجدانی خود عمل نموده شکایات حق مردم را با اظهار نظر قلمی خود بدون طرفداری و رعایت همکاری به

ارمهاباد

((غرور ملی))

آقای دکتر اسمعیل اردلان مدیر نامه کوهستان

روزدوشنبه بیست و هشتم خرداد ماه ۲۴ در موقه ۱۰ شب ۱۰ توزیع شماره ۱۶ نامه شریبه بودم جماعتی از مشرکین امانهای ووق و بیسیری منتظر دریافت آن بودند از میان آنان جوانی قابل ورجسته و فارغ تحصیل کلاس ششم درستان (آقای جعفر کریمی نواده آقای کریم باقری دهبوگری مالک قم قلعه) که از جوانان ملی و مبین دوست و یکی از مشائخ نامه کوهستان است پس از دریافت نامه شریبه با بدعت همیشه و شوق مفرطی نه آن دارد بلافاصله بمطالعه مشغول گردید و وقتی که بمسحه ۳ زیر عنوان تخریبات خصوصی (تلگراف آقایابینه از گرفتن نامه مبارکه استنفا داده اند) رسید و با کمال دلت خواند و بسیار متأثر شد ازینده خواهش نمود که دو فقره تائیدی مستوجب وی را برض رسانیده استدها مستکنم مورد قبول قرار دهید.

۱ - آقای جعفر کریمی تائید نموده و متعهد شده است در تمام خاک کردستان هر کردی که نامه کوهستان را باقی ماند از احساسات وایمان دریافت و استقبال نکند وجه آبروان سالیانه او را به اداره روزنامه نندیم دارد

۲ - نظر به عشق و علاقه که نسبت بآن نامه ملی دارد مبلغ پنجهزار ریال وجه نندبجای وجه آبروان آقایان نامبرده و کمک به مضیبه آنجریده شریبه تقدیم نمود امیدوارم هدیه ناقابل آن جوان حساس مبین پرست را با نظر مرحمت قبول فرمایند تا شخاصیکه بشرات ملیت و حس مبین پرستی بی برده و آشناننده اند عبرت گرفته و هم چنانکه در دستور اخیر مسحه ۳ خاطر نشان فرموده اند ثابت شود که (نامه کوهستان تک دارد وجه اشتراک از کسانی دریافت دارد که از روی عقیده وایمان مندرجاتش را نخوانند)

نایب نامه کوهستان درمهاباد - صدیق خیدری

اینک نامه ای هم از آقای جعفر کریمی

آقای دکتر اسمعیل اردلان مدیر محترم و محبوب نامه کوهستان

از انتشار نامه ملی کوهستان که واقعا سرچشمه حیات و زندگی جالبه کرد است منتهای مسرت و خوشبختی خود را عرض میکنم آنجریده شریبه - بیات نویسی بملت کرد بخشیده است. داستان

تاریخی ششهنزارساله کرد را که امیل و نیب ترین نژاد ایرانی هستند و تا کنون در اثر استبداد نامی از وجود و هستی آنان در مصنفات دهر وجود نداشت از نوطیع و چنان حیات تازه بخشیده که گویی در تاریکی شد بدجور آفتاب نور افشان از مطلع سمات و خوشبختی طلوع نموده است - ای وقت تو خوش که وقت ما کریمی خوش -

در خانه باندهیم تنهیت و شادباش شود بیضو محترم از شدادته منال خواستارم که جامه کرد را از قهرای بدبختی بشاهرام سعادت و خوشبختی هدایت فروده و آن وجود محترم ا در ابراز حق گوئی و احساسات ملی بیشتر از پیش موفق و مقدر و منصور فرمایند . از مهاباد جعفر کریمی

کوهستان - علوهت و مردانگی همیشه از خاصین برجسته اکراد بوده بطوریکه اگر سالیان دراز دبیری نیربندرد مرد و ایام نخواست توانست این خامیت اصلی نژادی را از زمین بردارد. نافر آقای کریمی از تلگراف چند جوان سنهج بسیار طیبی و عکس العمل ایشان منشی محکم بردمان یک سرانی بوده که از طرف کودکان بخیال خود خواسته اند با جمله کنند.

بقیه در مسحه ۶

سبع اولیای مشول برسانند مخصوصا ستاد ارتش را بحلیات پاینده در سفر و با توجه از نده تا به تده مردم کردستان مطیعترین و سالتترین افراد جامعه ایران بوده قطحمر موطع خودخواهی و بد رفتاری - فرماندهان نالایق است که آنان را پوسته میخوانند برخلاف حق و واج به جاوده دهند.

نغم آفای محمد مردوخ (آب تاشا کردستان)

۱۹۰

گرد و گردستان

(پادشاهی فریبرز) سبب از وفات نرس پسرش (فریبرز) که هنگام جد خودش بوده است و عرب (فریبرز) و یونانیان (فرآوروت) یا فرآوروت - یا فرآوروتیس یا فروروتیش میگویند. در سال (۶۵۵) ق م - بر تخت سلطنت جلوس نموده است. این پادشاه کشور خود را از یکطرف تا رود (جیحون) و از سمت دیگر تا (هند) و از سمت مغرب تا عرب و رومی (یعنی بین النهرین) توسعه داده اهالی (فیقه) و طرطوس و سلیسی یعنی کینیکیا و (ایراج) - مهم باجگذار او شده اند. خیران - و مصریان هم با او بیسان اتفاق بسته در زیر پرچم حمایت او بوده اند. و شهر اکرتان (یعنی همدان) در زمان او پادشاهت بزرگی شده است و مرکز آن زردشت که تا آن زمان در بلخ بود. امر این پادشاه با کاتبان اتفاقا پخته است. و با لشکری گران از قبایل مختلفه جنگ آشوریان برخاسته. در جنگ کشته شده است (۶۲۵) ق م - پارتیا (۶۳۳) ق م نوشته است - کرده پارس در زمان این پادشاه هم تابع دولت ماد بوده اند. احدربقیق در تاریخ مومنی خود در ترجمه (فرآوروت) اشتباهاً (فرهاد) نوشته. در صورتیکه فرهاد نام مطلقاً در سلسله سلاطین کیان بلکه در سلسله پیشدادیان هم بوده است

(پادشاهی گواکار)

پس از کشته شدن فریبرز لشکر ماد انزهرام یافت. نزدیک بود که باز کشور (ماد و پارس) بنصرف آشوریان در آید که ناچار بار دیگر رؤسای طوایف بیلاکی گرد آمده پسر او را سیاکوار که پسران هور و اشتره میگویند و یونانیان (گواکسانارا) و بالانیره (گواکسار) میخوانند. در سال (۱۲۴) ق م بر تخت نشاندند.

ارتی که از پدر باین پادشاه رسیده بود همانا حس انتقام از آشور بود و پسران این پادشاه بترتیب سیاه دانی برداشته پیاده نظام و سواره نظام مسمی را تشکیل داد پیاده سلاح به نیز و کمان و شمشیر. سواره سلاح پترو گدان نیزه و کمر و کینه. سواره نظام (ماد) از حیث هنرمندی بر سواره نظام آشوری برتری داشته اند. زیرا سواران مادی در حال ناخست و ناز با کمال مهارت تیر اندازی میکردند علاوه اسبهای مادی هم از حیث چلاکی و فنشکی و تند روی و دوام مصروف اتفاق بوده است. گواکسار که ایرانیان سیاکار میگویند. پس از تهیه چنین

لشکری بزم انتقام پدر بکشور آشور ناخست آنها را با وجود کثرت و معاونت شکست داده است و شهر «نیوا» را محاصره کرده است. در بین هنگام خبر ناخست و ناز «سکاها» یعنی «سینها» که یونانیان «سکوات» میگویند بگواکسار میرسد که از قفقاز گذشته بشال کشور ماد رسیده اند. ناچار محاصره نینوارا و قوف گذاشته برای حفظ کشور ماد مراجعت میکنند. در شمال دریاچه ارومیه در ضایحه کنونی «جنگ سختی با سکاها نموده تاب مقاومت نی آورد ناچار با آنها صلح نموده شرایط آنها را میپذیرد. پس از این صلح کشور ماد و سائر کشور های همسایه تا دریای باختر «میترا» و «مرش ناخست و ناز و جبارل سکاها واقع میشود. مدت مدت بیست سال کشور ماد تحت هوس رانی آنها بوده. تا اینکه گواکسار در يك مهمانی رسمی آنها را دست کرده تمام سران و سرکردگان را بقتل میرساند. و پاتیا را از کشور ماد میراند ۶۱۵ ق م در این هنگام «ناویولاسار» حکمران آشور در بابل ادعای سلطنت نموده با گواکسار متحد شده. بار دیگر «نیوا» را محاصره میکنند. پادشاه آشور که «شاراکو» نام داشته. «سازاکوس» پسر آشور با نیوال. چون تاب مقاومت در خود نی. بیست در قصر سلطنتی آتشی روشن کرده خود و خانواده اش را طعم آتش میسازد ۶۰۶ ق م - یعنی ۱۲۲۸۵ - سال پیش از هجرت مهاجین چنان نینوا را خراب میکنند. که دو قرن بعد در زمان «اردشیر» دوم معامنشی که «اکریون» از آنجا عبور کرده توانسته آن شهر را که یکی از بزرگترین شهر های جهان محسوب بوده پیدا نماید. چو در این واقعه شایسته نام. واقعه کینباد دارد که در شماره ۱۵۵ نامه کوهستان ذکر شد لذا مورخین فرنگ هر دو را یکی دانسته. و اولی را جزء افسانه تاقی کرده اند و دلیلی برای افسانه بودن آن ذکر ننوده اند. - پس از تخیر و تخیر «نیوا» - متعین ولایات کشور آشور را در بین خود تقسیم کرده. شام. لایاتیه. در سواحل شمالی دجله بوده باغضام آنچه آشور در آسیای مغرب مستملکات داشته همگی قسمت پادشاه ماد شده. شامات و فلسطین هم نصیب حکمران بابل گشته است دولت آشور با آن قدرت و عظمتی که «آشور با نیوال» پدر شاراکو نشان داده بود. تقسیم و انقراض باین سرعت محل تعجب

«از سالم»

هوشه و ۱۰۰

هموشه و جاوه ریم به لگو به مغنی باری گیانی بی
لناریسکی شوا شلهی چرا مشکل نهانی بی
جرای اول شوی قبرم گرمی دل به هجرات
به سروی بیای اجل شمی مرادم هدر سکنای بی
لنهرای محشر بشا دول بهرم نرسکی چنانا کا
قدای تو شوخ بی روم که جهوری دوو جهانی بی
لا خواهش که لم دایم حنه بنوبی ولی ناچار
رضام حرفی له جوابت بشوم با «لن ترانی» بی
به جز «هانز» مور طاقی که بروی توی که کیشاوه
که «دانی» نشی کیشای بی هروا سکنای بی
وقادای بی کاگرد بله گو بیزان جا که لذت بی (ا)
زبانی بوه دا عترب. که سی بهری زبانی بی
روانی سکو ممکن با تازه کاتر بری شی بهم
به شیرینی دمت ناگاکا شکر! با امفغانی بی
برینی باطنی حسوشنی. خوشی نایه که بی (سالم)
نهانی به سینه شویم خه نای پنجهی فلانی بی. ا.
این غزل را آفای محمد امین هوشند از سفر ارسال داشته اند

و حیرت است. که چهل سال پیش این دولت خشن چهار دولت
هیلام را منقرض نمود. اما دست اشقام در این هنگام او را نیز از
صفحه روزگار برای ابد برانداخت و معر و منقرض ساخت -

(قطعه)

گر زانکه بدکنی تو میندازان بدی
گردون فرو گذارد و دوران رها کنه
قرض است کار های بدت نزد روزگار
در هر کدام دور که باشد ادا سکنه

پس از انقراض دولت آشور دولت ماد و بابل عقد اتحاد را
میکشور کرده. پادشاه ماد دختر خود را به «بختصر» و ولیمهد
حکومت بابل داده است. به تعجب مغرب بود که نزر «است که در
تورات مذکور است این بود که نزر دوم است که سبب دامادی پادشاه
ماد. پیش از فوت پدر بانی پادشاهی ملقب شد. معارف فوت
پدرش «نخو» پادشاه مصر را در کنار «فرات» شکست داد و با
شباب به بابل برگشت و زمام کشور کهنه را مستلا بدست گرفت -
انداعات نیرو مند «بختصر» در فتح بلاد و سرکوبی طوایف و
تخریب بیت المقدس و تبعید بود در سال ۵۹۸ ق م معروف تواریخ
است. دانیال بیغیر معاصر این پادشاه بوده است این پادشاه در آسیا
به «غازی» اشتها داشته. یونانیها در باره او گفته اند که
«بود کودنزر» اسبیه خرد اروپا و ایوبیودمانستونهای «هر کول»
یعنی بغاز جیل طابق ناسته است - این خلدون در کتاب «السیر»
و مسعودی در مروج الذهب - و ابن اثیر در تاریخ کامل و تواریخ
سیستان در صفحه ۳۴۴ و غیره هم بختصر را سپهسالار «لهراسب»
نیبره کینباد کرد پادشاه ماد نوشته اند. -
بعضی دیگر او را سپهبد «سین» مرقوم داشته اند. -
شاید «کودنزر» را گودرز تصور کرده اند. چنانکه تواریخ تبری
طبع لندن جلد دوم صفحه ۶۴۹ و سرجان ملکم جلد یکم
صفحه ۲۷۵ و ۲۶۶ و ۱۰۵۵ و نیز رهام گودرز را نابو
کودنزر نوشته اند یعنی پسر گودنزر - شرح احوال بغنمرد در
کتاب دوم ملوک هم در فصل ۱۶۴ و ۲۷۵ مذکور است
> بقیه در شماره آینده <

برای اطلاع عموم اعلام میدارد

شنوان یکم ابراهیم فولادو دانشروزانه امری که فعلا فراموش کرده‌اند از امری شمدج است بهیچوجه بستگی و قرابت و خویشی با آقای سرگرد علی - فولادوند و اخوان معزم ایشان آقایان محمد تی - فولادوش - و امیرقاسم - فولادوند نباشند. مجلس و آقایان فلامرضا فولادوند - رئیس بازاری وزارت دادگستری و خسرو فولادوند - و امیر حسین فولادوند - و شنوان یکم علی امیر فولادوند افسر آرتش ندارد. و اصولا از قبیل آقایان فولادوند که نیست

موسی اسحق

از سفر

بخشداری که در خواب است

این هفته دو کاغذ یکی بامضای م . هنرجو و دیگری بامضای صالح میهن پرست از سفر در میان مراسلات وارده شهرستانها در بیات داشتیم که هر دو اظهار عدم رضایت از علیات آنسای امین اسعدی نموده بودند .

شنوان نامه ها یکی اسعدی و دیگری در شریک دزد رونق یافته بود .

نگارنده گمان می نمود اظهار داشته بودند که در دوره هرج و مرج امین اسعدی (کاگه مین) پیر حاج شیخ الاسلام سزا از موقعیت استفاده نموده نام رئیس فرهنگ و اوقاف سفر تمام مال الاجاره های خانه و دکا سکین مساعد را بچیب قوت زود حالیه هربا استفاده از قرابت بخشدار فعلی سز بجان مردم افتاده بدون اینکه سستی رسی داشته اند در حضور یا در غیبت بخشدار کفیل بخشداری امضا میکنند .

بدستاری این شخص دو نفر از عمو زادگانش محمدالدین اسعدی عابدین اسعدی که اولی از اداره آمار و ثبت احوال و دومی از نمایان اخرج شده بودند یکی در اداره غله و معمل پول خوردن و دیگری در شهرداری و معمل پول بردن فعلا مشغول خدمت بخود و خجانت بملت هستند .

امین اسعدی هم از ساده لوحی بخشدار استفاده کرده برای حوا و مرکب حرص و طمع خود را بیجولان در آورده است مردم بیچاره از ترس بخشدار جرئت شکایت و

انبار برخلاف او ندارد . این دو خواننده ما منتظریم مردم سز - خود اسعدی ها - بخشدار سفر این طالب و بیانات را تأیید یا تکذیب نمایند خستونجه فرمانداری کردستان هم باین اظهارات جلب میشود و تا کید می بینیم که مردم سز که تا بحال از کسوجستری حق حیثت محروم بوده اند دیگر سزیش ازین نباید زی بار فرمایشات و دستورات هر قدر دیو منی نزار گرفته و از حق خود محروم باشد آملی فرماندار کردستان باید متوجه باشند که مردم وقتی عیدنه احترام ایشان خواهند نگرست که در احوال مأمورین تا به وقت نموده در صورتیکه کسانی برخلاف مصالح عمومی اقدامی کنند بدون ملاحظه از هیچ مقامی دست آنان را از کار کوتاه کند اگر فرماندار کردستان این تذکرها مورد توجه قرار دهد بدیهی است قاطبه مردم پشیمان او بوده در غیر این صورت البته نباید حقوق خود را فدای ملاحظاتی نمایند .

باز هم تکرار میکنیم سز محیطی دی شده مردم آزادی ندارند زیر منگنه فشار قرار گرفته اند باید از این ظلم و نارواها کاست شود .

مردم سز از بدحقوق شما بیاطال شود بدون ترس و ملاحظه مضایب سز خودتان را با بیوسید ما هم آندر که میتوانیم کوشش خواهیم کرد شما را از زیر این باد سنجین تا ملیات نجات دهیم .

فرور ملی

ماورتنیکه با انتشار نامه کوهستان پرداختیم تمام مخالفت ها و کارشکنی ها را پیش بینی میکردیم و با علم باینکه این اقدام ملی ما مخالفان ساده لوح بسیاری دارد باید گمان باز بدان اقدام کردیم و در هر حال خود را مأمور نترسناک و عااید اکراد دانسته و عموم اکراد وطن پرست و غیر ترسناک را پشتیبان نامه کوهستان میدانستیم و همانطوریکه گرا را داشته ایم تنها باین تلکراف های ضدی اهیتی نپهیم و اینکه نوشته های چه گانه دره تاثیری نخواهد داشت بلکه بالعکس و ضربه ملی ما را بیشتر باین خدمت اجناسی و اساسی تشویق میکنند .

اما ارسال پنج هزار ریال

اگر از بیم اسائه ادب نبود با اظهار امتنان و چه ارسلای را دعوت میدادیم ولی در مقابل اقدام آقای جعفر کریمی خودتوجه و تضایب سیاسی ایشان را جریحه دار خواهد نمود چون نشر ایشان از ارسال وجه اقدام نیکی بوده ما هم آن اقدام نیک ایشان را ادامه میدهیم یعنی وجه دریافت میکنیم و حوصلش را اعلام میداریم و آنرا عینا در حساب معضومی در بانک ملی گذارده برای « احیای ادبیات و آزر کردن » و معرفی و شناساندن بزرگان و مشاهیر کرد بکار خواهیم برد .

شش تن امضا کنندگان تلکراف شمدج هم همانطوری که اعلام داشته ایم میتوانست بنایندگی نامه کوهستان در شمدج مراجعه نموده بقیه وجود آبتوان های خود را دریافت دارند .

آگهی عصر و درات

بتاریخ ۲۴/۲/۱۳۲۴ باقر طهت (حریری) بنشاننامه شماره ۱۹۷۵۹ باستاند یکیرک گواهینامه و رو نوشت شناسنامه دادخواست شماره ۱۹۷۵۹/۲۸۵/۱۶/۲۴ (حریری) درازده شناسنامه شماره ۱۹۷۵۷ در تاریخ ۱۶/۱۲/۱۳۱۹ در تهران جایگاه هیئتی خود وقت یافته و مناسیه و باو قدر شناسنامه شماره ۱۹۷۵۸ و خدیبه شناسنامه شماره ۱۹۷۶ رونیه (حریری) شناسنامه شماره ۱۹۷۶۱ در تاریخ ۱۴/۱۱/۱۳۱۹ در تهران جایگاه هیئتی خود وقت و حین الموت ورته مترقی منحصر به سه نفر خواهد بنام طهت مناسیه و باقر قدر و خدیبه غیر از سه نفر نامبرده رونه دیگری ندارد و پس از شنیدن گواهی گزین مراتب سه نوبت مثالی ماهی یکبار در روزنامه رسمی کشور شاعشده و روزنامه کوهستان آگهی میشود باگشتن مدت سه ماه از تاریخ نشر او این آگهی و بدون مترقی برجست بااضا اقدام خواهد شد و نیز اگر کسی وصیت نامه از متوفی دارد در ظرف مدت مرور ابراز و الا ه و صینامه غیر از رسمی و سری ابراز شود از درجه اعتبار ساقط خواهد بود .

رئیس کل دادگاه های بخش تهران - امامی اهری

جله بان که از زمان کن درجه ۱۰۲۳ و ۱۲۲۴ آقای حاج حمزه آقا قادری مالک ده چشم از جهان پوشیده و دوستان و علاقه مندان او برای همیشه متالم و متأثر ساشت در مساجد می باید مجالس ترحیم منعقد گردید مرحوم حاج حمزه آقا قادری مردی دیندار و پاک دست و پاکدامن و فروتن و نیک نفس بود و از مالکین و منتفقین قبیله ماشمش و سست ریاست قوم خود را داشت مردم از دست و زبانش در امان بودند و در این عصر کسی در سخاوت پایه او تیرسید سالها ست مدرسه موبورو تحصیل داشته در ده جله بان که دهی مرزی است بدست خود آن مرحوم تأسیس و همیشه بالغ (۳۰) نفر طله در مدرسه موبورو تحصیل داشته و دارنده هزینه مدرسه و مدرسه فوق از طرف مرحوم حاج حمزه آقا تأمین میگردد از آن مرحوم چندین پسر و دختر بیادگار مانده از آن جمله آقای عبدالله آقا قادری است که در صفات نیکو و علاقمندی فرهنگ اسلامی شتر از پدر سست و او فرزند ارشد آن مرحوم است و کیر مردانگی را برای ادامه واره مدرسه فوق سست است ضمن اظهار تشاف و همدردی از این ضایعه بحدود بازماندگان و دوستان آن مرحوم تسلیت گفته و موهبت آقای عبدالله آقا قادری و سایر بازماندگان آن مرحوم را برای خدمت فرهنگ و عالم اسلامی از خداوند معال خواهیم

اینجا - از طرف اهلی شهرستان می باید مراتب تالم و شرکت در معیبت وارده و میر و شایستگی را بیازماندگان مرحوم حاج حمزه قدری عرض و از خداوند خواستارم که جانشین معظم له کاملا از سیره صالحه و حسن اخلاق سلف خود پیروی نمایند

مها بادی - صدیق حدیدی نماینده نامه کوهستان

مالیات وارده و شکایات بر ترتیب نسوبت با رعایت تناسب موافقت درج میشوند کوچکی صفحات روزنامه و کثرت مضایب وارده اجازه نمیدهد که مقالات رسیده هر هفته را تمام چاپ کنیم امید است در آتی بتوانیم با تغییراتی که در قطع یا تعداد صفحات داده خواهد شد این ابراد را هم مرتفع نماییم .

نامه ها و تلگرافات وارده

از سقز

آقای محمد امینی از انتشار نامه کوهستان اظهار مسرت نموده اند.

از مهاباد

آقای احمد الهی ضمن اظهار خوشنوی از انتشار نامه کوهستان از جدت های آقای صدیق حیدری نایبده رسی ما قدر دانی نموده اند.

از کرکج

آقای سعید حسینی خطاب به اهالی مهاباد شرحی نگاشته موضوع حس بدون جهت رحمن غنی پور را مورد بحث قرار داده می گویند. عده ای مامور خان و طابع که در دیستانهای دوره سلف تحصیل مقام کرده و در گمراه عهد دیلتنا توری پرورش یافته اند و اضی نمی شوند تمدی و رنج و سختی که بملت اصیل کرد وارد بشود بیسج ارضیای دولت برسد قیلو را تللو، خادم را خان و میهن پرستی را استقلال جلوه و گذارش میدهند و ... هرتیکه حکومتی عادل زمام امور را دست نکرده و این مامورین معلوم الحال لعاب گسیخته گوشای داده نشود باید صبر نمود زیرا الصبر مفتاح الفرج .

از سلدوز

آقای کرمانیان از انتشار نامه کوهستان اظهار مسرت نموده اند.

از سقز

آقای جلال الدین نمشندی خانقاهی تلگرافی مفایره کرده می نویسد: اگر چه داعی هیچگاه ابراز وجود و امضا و مهر میلان را عادت نکرده ام و همیشه

خادم گشام دوات خود را نامیده ام لیکن این مرتبه وجدان خود را مجبور میکنم از این حسن انتخاب جناب سرهنگ سارومی پرمادھی تیب ۱۱ سز مراتب تذکر بر آرایش خود را تقدیم و از اقدامات ندادگانه و آرامش دهی ایشان نسبت به دولت و منصفه مدبخت مانسکر برشکر وامنتان برامنتان معروض دارم ... کوهستان. از فرار اعلامی که رسیده فرماتده لشکر کردستان در پیشرفت اقدامات آقای سرهنگ سامی تمیثواته کلاشکنی میکند و سعی دارد بپهر نعو هست او را دل سرد نماید آیا ستاد آرنش این اقدامات را هم نادیده خواهد گرفت .

از رودسر

آقایان مظفر ندیس و محمد قاضی ضمن تلگرافی می نویسند: از این آتش مقدسی که در قالب و خنامه شا برافروخته و از فرسنگ ها راه توده افسرده کرد را نور و گرمی دادیم و روان تازه با جانهای مرده بخشیدیم است شکر را بیایم میگویم و وفایت روز افزون جناب عالی را الا نشود نامه محبوب کوهستان خوشامدود پایبخت کشور آرزو مندیم و از اینکه توجیه هشت دولت را به اقلیت نجیب و شجاع کرد معطوف فرموده اید تشکرات قلبی و ادویه صیه نه خود را تقدیم میداریم.

از کرمانشاه

آقای دکتر سعیدی که چندی قبل مورد حمله و اهزان قرار گرفته مجروح شده بود و ناتوانی اش بشارت برده شده بود شرح مفصلی نگاشته و از جدیت ها و اقدامات مامورین آگاهی کرمانشاه

اظهار امتنان نموده اند

از بوکان

دریست دیروز هم نامه ای از آقای حسن نژادی دریافت داشتیم بشأن هم توجه نامه کوهستان و خوانندگین آنرا بجهت زبان و ادبیات کرد جلب نموده و پیشنهاد نموده بودند شماره های هیا «مجموعی از نامه کوهستان فقط برای این منظور منتشر گردد.

کوهستان - اطمینان داریم اقدام به نشر و شناساندن آثار و ادبیات کردی یکی از مهمترین خدمات فرهنگی است همانطور که وعده داده ایم بخواست خداوندی و به کمک و همکاری برادران فرهنگ پرور کرد در این راه هم قدم برخواهیم داشت. این قسم پیشنهاد های مفید بسیار مارا ایدوار میسازد.

از سقز

تلگرافی با مضای آقایان قادر ابو شیرانی محمد بزادان پناه - فیضی بخش - حسن نبی افند بی بی - اسدالله لطفی - مراد امینی - عزیز ابدی رسیده می نویسد حال که امر اتال آقای سر بهر راستکار رئیس شهربانی سقز رسیده و جای هیچگونه تصور تلقی نیبرود محض استحضار از توضیحه شناسی و مداخلت ایشان قدر دانی مینمایم کوهستان - از اداره کل شهربانی امتنان داریم که تذکرات ما را مورد توجه قرار داده و بالتسویه دستور انتقال آقای سر بهر راستکار را صادر نموده اند راجع به تلگراف آقایان هیچ اظهار نظری نمی نمایم بولی گمان می نمیم اداره کل شهربانی هم می جهت ایشال را از آنجا تغییر نداده است لابد تجدینی کرده و علی بدست آمده که موجب تغییر ماموریت ایشان شده.

از مشترکینی که تا بحال وجوه آبروان را برداشته اند تمنا میشود هر چه زود تر آنرا ارسال دارند مشترکین شهرستانها میتوانند وجوه اشترک را توسط نمایندگان ما ارسال داشته و یا مستیاب فرستند

از مشترکین محترم تقاضا میشود از لحاظ کمک به نظم و ترتیب توزیع اگر روزنامه شان فرسید لطفاً ما را مطلع سازند زیرا هر هفته مرتباً روزنامه به آدرس کلیه مشترکین به دست داده میشود .

امید داریم آقای سر بهر راستکار در ماموریت خود توجه داشته باشند که اقتدار عمومی محترم است و اگر شخص احیانا تعطلی بشاید قطعاً موقمی خواهد رسید که بازخواستی بشود دیگر ما مورس هم باید باین نکته توجه داشته باشند نامه کوهستان هم بر حسب وظیفه کاملاً مراقب است

حکومت پایزید هم در قبال این اقدام غر از چشم پوشی چاره ای نداشت دولت ترکیه چون از راه اعمال قوه قهریه نمیتوانست کاری از پیش ببرد، برای برعه زدن این قانون ملی ارد فکری اندیشید قانونی بنام «قانون تاجیل از جلس کبر ملی ترکیه گذرانید و بموجب آن عفو بلا قید و شرط را که فقط شامل ولایات کردستان باشد اعلام نمود.

این قانون بوسیله هیئت های از اشخاص معنی بسکوش ساحکنین آزادات رسانیده میشد و آچارا باطاعت دولت و استناد از مزایای این قانون دعوت میشدند.

در قبال این تیغیات دولت، آزاراتیها اظهار داشتند موقمی اظهارات نمایندگان اعمی مورد اعتقاد خواهد بود که رؤسا و متوران استکراذ تبعید شده آزاد گردند. دولت نیز این پیشنهاد را مورد توجه فرار داده باستانی چند نفر بپهوا آزاد کرد.

این هیئت ها از طرف دولت علاوه بر تبلیغ در بیان ملیون آزادات ماموریت داشتند که با احسان نوری و شیخ عبدالنادر که خانواده هایشان بنظمه غری آندطور انتقال داده شده بود در اترانی نمود وعده دهند در صورت تسلیم، دولت موافقت دارد خانواده هایشان آزاد گردند.

این پیشنهادات دولت و مذاکرات هیئت اعزامی در احسان نوری اتری تسویه ولی شیخ عبدالنادر با انباش شهر پایزید قتمتیم شدند. شیخ عبدالنادر پس از تسلیم با هیئت دیگری ماموریت یافت که به آزادات آمده بری حسکی را با تصایح دوستانه و اداری طاعت کنه ولی آذراتی ها که از این نشر اطلاع یافتند او را راه ندادند.

عده ای از کسانی که از خارج با آزادات آمده بودند روی

دخ عبدالنادر را تعایب یعنی تسلیم دولت ترکیه شدند دوات تسلیم شد دان را تشویق می نمود بدین مضمون که «تتها آتان را خلغ سلاح نمی کرد بلکه غلتمی هم در مقابل این حس اطاعت و تسکینی آنها میداد

در زمره تسلیم شدگان سید عبدالوهاب و ترشکی بودند که بانظر و دستور فرمانده ملیون کرد باطاعت دولت درآمدند زیرا نشنه فرماندهی این بود که تشکیلات خوی بون در سایر مناطق دیگر کرده ن ترکیه نیز توسعه یابد و برای انجام این نته اطاعت و تسلیم ظاهری این دو فرزند وری بود.

تعب در میان بعضی از روسای ملیون بقدری شدید بود صکه تسلیم بدوات را نگردانسته و بجهت برای شنیدن جهت در قانون تاجیل حاضر بودند در این واقع بود که فرماندهی ملیون کرد نایبده رسی کمیته ارضی های مهاجر را در آزادات - برافت زیرا کنگره کرد تبادل ارضی های مهاجر را به دوستی «کرد و ارضی» با خوشنوی تالی نموده بود

بعضی ها بدیروالی فرماندهی ملیون کرد را از یکسفر نایبده ارضی های مهاجر وسیله ای برای تبلیغ بدانته برخلاف واقع و حقیقت اینطور اشاعه داده بودند که قوای مسیح ارضی ها به کمک ملیون کرد آمده است.

اجرای قانون تاجیل برای مدت قلبی قوای آزادات را از حیت آذوفه در تنگنا گذاشت. زمستان بود برف مختصری منطقه پایزید را تا حدود تشکیلات آثری دستور ساخت بهار سر رسید

يك پرده ننگين

شبه از صفحه ۱

تصادفی، پیش آمدی غیر مترقبه دولت را بتحقیق قضایای کردستان و داشت - این مشغول و عموم مردم درحیرت مانده که آنچه را شنیده بودند با آنچه حقیقت امر بوده صدها بلکه هزارها فرسنگ فاصله داشته قدری شامل گردند باده زردید نگرستان هم داشته زیرا سبب آن در بود-شکافی ماته ستاد ارتش مطالب عاری از سستی را که فقط جنبه داخلی دارد برای مشوب ساختن ازخان عمومی تبلیغ کند

دوقبال روشن شدن قضایا مردم باک و بی آلاش کردستان که در حال بقولت امیدوار بودند انتظار داشته اند که شده همه جوانان بازشده آلا اگر مجازاتی در کار نیست دست آنان را از گریبانشان کوتاه کنند.

وقتی در کشور هرج و مرج در تمام شتون حکمرا باشد. مادون در مسائل قانونی مسئولیتی نداشته باشد قانونی اجرا نشود آن کشور محكوم بقناتست.

آری با این رویه ای که پیش گرفته ایم ایران محكوم بقناتست و تنبیه با علم بدم صلاحیت اخلاقی و با علم بدم شایستگی و توانایی با علم بدم لیاقت بک شخص سبک سر را فرمانده و فرمانروای ناحیه میسی از مملکت می کنیم و سرشوت توده عظیمی از سکنه این کشور را بدست جنایتکاران و میساریم میگوئید این مردم از دست ترونه میگوئید هنوز با این حکومت امیدوار باشند!

جاییکه مردم بیگانه را سببه زند ماه بزبان میافکنند و هر چه سعی می کنند برونه ساختگی هم نمیتواند درست کنند می که پس از پایان جنگ دنیا تازه برای اعمال نظرهای شخصی و نشان دادن صف دولت و ناتوانی آن دادگاه زمان جنگ تشکیل میدهند تا مردم بیچاره را محكوم کنند جاییکه رفس دادگاه زده ان جنگ یک سرهنگ بیسوادی میشود که فقط اسلحه خود را میداند.

جاییکه پس از هشت ماه بیس بدون ملاقات با این دادگاه محکوم، معلوم به ۲۴ تا ۲۸ ساعت زندانی محكوم میشود آچاپین

گشوداری محكوم بقنا نیست!

جاییکه ستاد ارتش مملکتی میداند فرماندهی را که بناحیه حساسی مرستاده تالابین بساقت و بدبطنت است و بهیچوجه نمیتواند حریف مردم را بشنود و او را گوشه دل دهد آیا باید گفت آن شخصی که بر رأس ستاد ارتش است وطن خواه و میهن دوست است!

جاییکه ارتش باید توله عظمت کشور و محبوب عموم سکنه آن باشد باعث خیرت مردم است.

جاییکه بجای سببیت و بیگانگی هویت و هداوت ایجاد کنند آیا آن کشور محكوم بقنا نیست!

آی تمام اینها نشانه های زوال و فتنای ایران است. آری ایران دارد از دست میرود زمانه داران ما سرگرم - بازبهای کودکا و بیاست تاده جاه طلبی هستند.

ایران از میان میرود صحتا، ما و میهن دوستان ما همچنان در گوشه و کنار دست بر روی دست گذازده اند. وقت از راه گوشه کجری نیست مملکت دارد از دست میرود نام ایران از مصلحه تاریخ معاصر محو خواهد شد.

بیاید صلحای نوم و کما فی که بشرافت و ایران دوستی بابتندیش از این وقت را از دست ندهید جمع شوید قاری حال ایران از دست رفت و مردم بیچاره آن بنیاد نمانی میتوانید ماطر این وقایع شکنج باشید.

بیاید صلحای نوم که علم کنید مردم آن در هم شده شما گمان کرده اید حق ناشناس نیستند بیده احسرام بشما خواهد نگرست.

و در قدهای اصلاح ممانه ای که شما بردار بدنیال شما خواهند بود ایران دواين موقع نیازمده کاری شناسد موقع خدمت استون است بیاید پیشقدم شوید از هر روزه با پاکان نهراسید نگوئید ارا بدنام خواهد شد نام نیک آن است که در راه خدمت بملکت کسب شود نیت هم کسی است که در مواج بازیك بملک کشور بیايد.

در پرامون ادبیات کردی

شبه از صفحه ۱

۳- اشخاصی که مکتبه میکنند با آثاری میفرستند باید نام و آدرس خود را کامل و خوانا بنویسند بدینوسیله آثاری که کلبه مدارک در یکجا در تهران ترکز خواهد یافت.

۴- جمع آوری سرمایه برای شروع کار اینهم غیر سهولت و بدون تحصیل انجام شدنی است. اوراقی از طرف نامه کوهستان فریاد چاپ شده بوسیله نمایندگی های شهرستان ها ستاده میشود هر کس هر میسایر به میل و رغبت واه خود تمهید خواهد نمود که در آرد این اوراق تمهیدی پس از اینکه تکمیل شد از طرف نمایندگان ما باناره روزنامه بوجت داده خواهد شد بدین ترتیب در عرض یک الی دو ماه ما مطلع خواهیم شد تقریبا چه مبلغ تمهید شده پس از آن در صورتیکه سرمایه را برای شروع کار کافی دانستیم بوسیله روزنامه آگهی خواهیم کرد که بشاره مخصوصی که برای انتشار در بازار باز خواهیم نمود وجوه تمهیدی را ارسال فرمایند.

۵- از لحاظ اینکه جریان مین و مشخص داشته باشد اسامی و آیین نامه ای هم در ظرف این مدت با استقامت از اطلاعات متحصصین تهیه شده در روزنامه چاپ می کنیم که عموم از طرز عمل مطلع باشند.

۶- گایه علاقمندان به زنده کردن ادبیات کردی کلبه مکتبایی که میباشد بتواند اداره روزنامه کوهستان با قید عبارت مربوط باجای ادبیات کردی با خطوط درشت در اولین سطر مراسله باشد.

۷- ذکر این جمله برای نشریات نیست بلکه برای این است که فوراً از کارهای هادی روز نامه جدا شود.

۸- بهریکه از نامه هاییکه بدین ترتیب برسد جواب منفی داده خواهد شد و کلبه پیشنهادات مورد توجه نزار خواهد فرست.

۹- اشعار و آثار و شرح حال دنیا و مشاعر اعم از شعری یا چاپی که باین منظور فرستاده میشود باید بوسیله دست سفارشی بوده مراسله ای همراه داشته باشد که به تفصیل آثار ارسالی اشتریح نماید.

موقوف که میگویند زمانه راهروفت از آب بگیری ناز است اگر پیشینان ما ملزوم جوانی در شناساندن ادبیات کردی مسامحه کرده اند با موجباتی آنان را از اتمام بدان منع نموده چه مانعی دارد ما این تصور گذشته گان خود را جبران کنیم چه مانعی دارد اگر ما به شناساندن آثار وادیات کردی همت گمازیم و آن کار را که دیگران میکنند ما نمود میماند با علاقه و کوشش در کلبه کتب و نیت انجام دهیم!

بفقیه ما اقدام بزنه کردن آثار کردی عمل بسیار مفید و بجای است بزرگان کرد را بیجا سه شناساندن و ناب آت نهاره خام و عام آموختن و غلبه هر فرزند پاک و با وجدانی است

بظنر ما اقدام باین کار هم چندان دشوار نیست همه ای علاقمندان لازم است که این آثار را از گوشه و کنار جمع آوری کنند. مرکزی لازم است که این آثار جمع آوری شده در آن ترکز با اطلاعاتی که در یک موضوع از نقاط مختلفه میرسد یکجا جمع شود.

۱۰- مینی از مطالبی یاد کرد شد این آثار را با دقت خوانده پس از تحقیق و تطبیق برای چاپ حاضر نمایند سرمایه ای لازم است که وسایل چاپ این آثار آماده شده و انرا هم کتب چاپ شده ملاحظه میشود با تهیه این چهار رکن کار انجام خواهد گرفت.

مطالب گشتی بسیار است و الحاد را هم میتران خوب نوشت ولی کار مشوب آن است که با عمل توام باشد بری این که از مقاله آتای شرافتند و از نظریات نامه کوهستان غیر از نوشتن و عبارت بردازی نتیجه ای بگیرییم برنامه ذیل را پیشنهاد می نمایم.

۱- گایه علاقمندان به زنده کردن ادبیات کردی کلبه مکتبایی که میباشد بتواند اداره روزنامه کوهستان با قید عبارت مربوط باجای ادبیات کردی با خطوط درشت در اولین سطر مراسله باشد.

۲- ذکر این جمله برای نشریات نیست بلکه برای این است که فوراً از کارهای هادی روز نامه جدا شود.

۳- بهریکه از نامه هاییکه بدین ترتیب برسد جواب منفی داده خواهد شد و کلبه پیشنهادات مورد توجه نزار خواهد فرست.

۴- اشعار و آثار و شرح حال دنیا و مشاعر اعم از شعری یا چاپی که باین منظور فرستاده میشود باید بوسیله دست سفارشی بوده مراسله ای همراه داشته باشد که به تفصیل آثار ارسالی اشتریح نماید.

۵- اشخاصی که مکتبه میکنند با آثاری میفرستند باید نام و آدرس خود را کامل و خوانا بنویسند بدینوسیله آثاری که کلبه مدارک در یکجا در تهران ترکز خواهد یافت.

۶- جمع آوری سرمایه برای شروع کار اینهم غیر سهولت و بدون تحصیل انجام شدنی است. اوراقی از طرف نامه کوهستان فریاد چاپ شده بوسیله نمایندگی های شهرستان ها ستاده میشود هر کس هر میسایر به میل و رغبت واه خود تمهید خواهد نمود که در آرد این اوراق تمهیدی پس از اینکه تکمیل شد از طرف نمایندگان ما باناره روزنامه بوجت داده خواهد شد بدین ترتیب در عرض یک الی دو ماه ما مطلع خواهیم شد تقریبا چه مبلغ تمهید شده پس از آن در صورتیکه سرمایه را برای شروع کار کافی دانستیم بوسیله روزنامه آگهی خواهیم کرد که بشاره مخصوصی که برای انتشار در بازار باز خواهیم نمود وجوه تمهیدی را ارسال فرمایند.

۷- از لحاظ اینکه جریان مین و مشخص داشته باشد اسامی و آیین نامه ای هم در ظرف این مدت با استقامت از اطلاعات متحصصین تهیه شده در روزنامه چاپ می کنیم که عموم از طرز عمل مطلع باشند.

۸- گایه علاقمندان به زنده کردن ادبیات کردی کلبه مکتبایی که میباشد بتواند اداره روزنامه کوهستان با قید عبارت مربوط باجای ادبیات کردی با خطوط درشت در اولین سطر مراسله باشد.